



Evolution of Approached in *Sīra* Scholarship in Shīʿī Studies

Dr. Mahdi Mardani Golestani, Assistant Professor of Qur'anic Sciences and Ja'fari Fiqh, Razavi Islamic Sciences Research School, Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi, Mashhad, Iran

Email: mahdi_mardani@islamic-rf.ir

Abstract:

Understanding different approaches in *Sīra* research enables us to categorize different perspectives and compare them, allowing for a logical encounter with the proposed questions and challenges. The present study aims at investigating the historical evolution of *Sīra* research using the descriptive-analytical approach and based on Shīʿī studies. The results indicate that three main approaches dominate *Sīra* research: First, the Fiqhī approach, which considers *Sīra* as a source for deducing decrees; Second, the Ḥadīth approach, which considers *Sīra* as a role model and example for life; and third, the Historical approach which considers *Sīra* as a report of historical events.

Keywords: *Sīra* studies, *Sīra* 'Ahl al-Bayt, approaches to *Sīra* research, Fiqhī approach, Ḥadīth approach, Historical approach





سال ۵۴ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۹ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۸۸ - ۶۵	HomePage: https://jhstory.um.ac.ir
شاپا چاپی X ۷۰۶ - ۲۲۲۸	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱ - ۲۵۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹
نوع مقاله: ترویجی	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴
DOI: https://doi.org/10.22067/jhstory.2023.79497.1179	

سیر تطور رویکردهای سیره پژوهی در مطالعات شیعی

دکتر مهدی مردانی گلستانی

استادیار گروه علوم قرآن و فقه جعفری، پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران.

Email: mahdi_mardani@islamic-ir.ir

چکیده

شناخت رویکردهای مختلف سیره پژوهی امکان دسته‌بندی دیدگاه‌های مطرح و مقایسه آن‌ها را فراهم می‌آورد و زمینه رویارویی منطقی با پرسش‌ها و چالش‌های فرا روی را ممکن می‌سازد. این مقاله درصدد است به روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات شیعی، سیر تاریخی رویکردهای سیره پژوهی را بررسی کند. نتیجه حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که سه رویکرد مهم در این تحقیقات غلبه دارد: نخست، رویکرد فقهی است که به سیره به‌عنوان منبع استنباط حکم شرعی می‌نگرد؛ دوم، رویکرد حدیثی است که از سیره به‌عنوان اسوه و الگوی زندگی بهره می‌گیرد و سوم، رویکرد تاریخی است که سیره را به‌عنوان گزارشی از واقعه تاریخی می‌شناسد.

کلیدواژه‌ها: سیره‌شناسی، سیره اهل بیت (ع)، رهیافت‌های سیره پژوهی، رویکرد فقهی، رویکرد حدیثی، رویکرد تاریخی.

مقدمه

سیره پژوهی یکی از حوزه‌های مطالعات اسلامی است که با دانش‌های گوناگونی همچون تاریخ، حدیث، اخلاق، سیاست و فقه در ارتباط است. از این رو، محققان علوم اسلامی با گرایش‌های مختلف به تحلیل مسائل سیره معصومان(ع) همت گماشتند. لکن آرای محققان شیعه درباره سیره معصومان(ع)، مبتنی بر مسائل بنیادینی است که باید به درستی شناخته شود و به خوبی ارزیابی گردد؛ یکی از این مسائل، رویکردهای سیره پژوهی است که عهده‌دار تبیین و تفسیح دیدگاه‌های مؤثر در فهم و برداشت از سیره معصومان(ع) است. بر پایه مطالعات صورت گرفته، سه رویکرد اصلی در این تحقیقات جریان دارد: فقهی، تاریخی و حدیثی؛ رویکرد نخست، در پی دستیابی به احکام تکلیفی است و بیشتر به مباحث فقهی سیره معصومان نظر دارد؛ رویکرد دوم، به دنبال گزارش سرگذشت پیامبر و خاندان ایشان است و بر ذهنیت تاریخی تمرکز دارد و رویکرد سوم، به گونه صحیح زیستن می‌اندیشد و بیشتر به مباحث تربیتی سیره معصومان می‌پردازد. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با بررسی تبار و پیشینه تاریخی رویکردهای یادشده، به تبیین و تشریح آن‌ها بپردازد. به‌واقع، آنچه در این تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد، مطالعه رویکردهای سیره پژوهی در بستر آثار و مکتوبات سیروی است که از خلال شناسایی و دسته‌بندی آن‌ها صورت می‌گیرد و این، غیر از بررسی رویکرد آثار سیره پژوهی است که خود، نیازمند تحلیل و تبیینی مستقل است. البته هدف از این مقاله، بررسی جامع و همه‌جانبه رویکردهای سیره پژوهی در قالب جریان شناسی تاریخی نیست؛ بلکه غرض، مرور رویکردهای سیره پژوهی در بستر تاریخ است که با تأکید بر مراحل تکون و تطور آن‌ها انجام می‌گیرد. قلمرو مذهبی این تحقیق مطالعات شیعه است و بر پایه داده‌ها و اطلاعات موجود در متون و منابع شیعی به شناسایی و تبیین رویکردهای سیره پژوهی می‌پردازد. البته این قلم از منابع اهل سنت و دیدگاه محققان سایر فرق اسلامی نیز بهره می‌گیرد، لکن این بهره‌برداری به منظور اخذ مؤید و در راستای پیشبرد اهداف تحقیق است. همچنین این پژوهش به جهت زمانی، قرن نخست هجری تا دوره معاصر را پوشش می‌دهد و به جهت زبانی، بر پژوهش‌های محققان عربی و فارسی‌زبان تمرکز دارد و از دستاوردهای محققان انگلیسی، فرانسوی و ترکی زبان بهره نمی‌گیرد.

پیشینه تحقیق

با در نظر گرفتن مسائل تحقیق، پژوهش جامع و مستقلی در این باره به دست نیامد؛ تنها در برخی آثار پژوهشی نشانه‌هایی از بعضی رویکردهای سیره پژوهی قابل دستیابی است؛ چنان‌که در خصوص رویکرد فقهی، منصور داداش‌نژاد و مرضیه سادات هاشمی در مقاله «بازکاوی روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا(ص)»^۲ ضمن بررسی موارد استناد محقق حلی به سیره نبوی، به بررسی روش فقاهتی وی در استنباط از سیره می‌پردازند.

۲. داداش‌نژاد و سادات هاشمی، «روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا(ص)»، مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، ش. ۹۱ (۱۳۹۲):

رسول جعفریان در مقاله «رویکرد فقهی به سیره نبوی در یک صدسال گذشته»، ضمن تحلیل علل اهتمام محققان جهان اسلام به استفاده فقهی از سیره پیامبر (ص)، به برخی از چالش‌های پیشرو اشاره می‌کند.^۳

درباره رویکرد حدیثی، شهید مطهری در کتاب سیری در سیره نبوی با فرق گذاشتن بین دو واژه «سیر» و «سیره»، به تفاوت دو رهیافت تاریخی و حدیثی در تبیین سیره رسول خدا (ص) اشاره می‌کند.^۴ سید محمدکاظم طباطبایی در مقدمه کتاب سیره پیامبر خاتم (ص)، تأسی به رفتار معصومان را فراتر از استنباط احکام تکلیفی دانسته، نگاه الگومدار به سیره را از رویکرد فقاهتی جدا می‌کند.^۵ محمد مهدی کامیابی در کتاب الگو برداری از معصومان (ع)، با تحلیل برخی از موانع تأسی به سیره معصومان، به آسیب‌شناسی رویکرد حدیثی می‌پردازد.^۶ حامد حسینیان در مقاله «سیره پویا: چالش‌های فراروی عمل به سیره و راه برون‌رفت از آن» برخی تنگناهای تمسک به سیره معصومان (ع) را برمی‌شمارد^۷ و هادی یعقوب زاده و دیگران در مقاله «تبیین رویکردهای سیره نگاران امامیه به سیره پیامبر (ص)» با تکیه بر نگاشته‌های امامیه، رویکرد روایی را به‌عنوان یکی از رویکردهای رایج در میان سیره نگاران معرفی می‌کند.^۸

راجع به رویکرد تاریخی نیز حسین حسینیان مقدم در کتاب تطورشناسی سیره نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان، ضمن گونه‌شناسی سیره نگاری اصحاب ائمه، برخی جریان‌ها و رویکردهای سیره نگاری را می‌نمایاند.^۹

رسول جعفریان در مقدمه کتاب سیره رسول خدا (ص)، برخی از مهم‌ترین آثار سیره نگاری شیعه را برمی‌شمارد؛^{۱۰} و آری رُبین در مقاله «گرایش‌ها و روش‌ها در مطالعات سیره» که در مجموعه مقالات سیره پژوهی در غرب ترجمه و منتشر شده است، به گونه‌شناسی مطالعات غربیان درباره زندگانی پیامبر (ص) می‌پردازد.^{۱۱} باین همه، هیچ‌یک از آثار یادشده به‌صورت روشمند و متمرکز، به بررسی رویکردهای سیره پژوهی نپرداخته و پیشینه و پیامد آن‌ها را بررسی نکرده است. علاوه بر آن که بررسی تأثیر رویکردهای سیره پژوهی در مطالعات سیره معصومان (ع)، از جنبه‌های نوآورانه‌ای است که پیش‌ازاین در دیگر تحقیقات مطرح نشده است.

۱۰۸-۸۹

۳. جعفریان، «رویکرد فقهی به سیره نبوی در یک صدسال گذشته»، مقالات و رسالات تاریخی، ش. ۱ (۱۳۹۱): ۶۵۹-۷۶.

۴. مطهری، سیری در سیره نبوی، ۴۸.

۵. محمدی ری‌شهری، شناخت‌نامه حدیث، ۶۵/۱.

۶. کامیابی، الگو برداری از معصومان (ع): مفهوم‌شناسی تأسی و امکان‌سنجی، قم: بنیاد فرهنگی امامت، ۱۳۹۸.

۷. حسینیان، «سیره پویا؛ چالش‌های فراروی عمل به سیره و راه برون‌رفت از آن»، تاریخ اسلام، ش. ۵۸ (۱۳۹۳): ۷-۳۷.

۸. یعقوب زاده و دیگران، «تبیین رویکردهای سیره نگاران امامیه به سیره پیامبر (ص) در قرون دوم تا چهارم هجری»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش. ۲۹ (۱۳۹۶): ۹۳-۱۱۸.

۹. حسینیان مقدم، تطورشناسی سیره نگاری با تکیه بر اصحاب امامان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.

۱۰. جعفریان، سیره رسول خدا (ص)، قم: دلیل ما، ۷۹/۱.

۱۱. کریمی‌نیا، سیره پژوهی در غرب: گزیده متون و منابع، ۲۱.

مفاهیم تحقیق

«سیره پژوهی» گونه‌ای از مطالعات اسلامی است که به تحقیق درباره رفتار معصومان می‌پردازد. به‌واقع، سیره پژوهی شاخه‌ای میان‌رشته‌ای است که با استمداد از برخی دانش‌های اسلامی نظیر تاریخ، حدیث و کلام، مسائل مربوط به رفتار معصومان را پوشش می‌دهد. در این میان، سه مسئله کتابت، وثاقت و دلالت، جزء اصلی‌ترین مسائل سیره پژوهی است که مهم‌ترین عرصه‌های پژوهش درباره سیره معصومان را نیز تشکیل می‌دهند. البته فراوانی تألیفات انجام‌شده درباره مسئله اول، موجب غلبه عرصه سیره نگاری بر دیگر عرصه‌های سیره پژوهی شده و دامنه مطالعات سیره پژوهی را به یک حوزه خاص تقلیل داده است. درحالی‌که سیره پژوهی عنوانی عام است و شامل دیگر حوزه‌های مطالعاتی نظیر اعتبارسنجی و معنایابی می‌شود. منظور از اعتبارسنجی، بررسی اصالت و وثاقت متونی است که به‌عنوان سیره معصومان شناخته می‌شوند و مقصود از معنایابی کشف مفاد و پیام سیره معصومان است که از طریق فهم متن و شناخت قراین کلامی و مقامی به دست می‌آید.

واژه «رویکرد»^{۱۲} عموماً با تعابیری همچون رهیافت، جهت‌گیری و روش برخورد ترجمه می‌شود و با عباراتی مانند «جهت‌گیری نسبت به یک پدیده از جنبه‌ای خاص»،^{۱۳} «انطباق روشی دسته‌ای از دیدگاه که از مبادی مشابه برمی‌خیزد و به اهداف مشترک نظر دارد»^{۱۴} و «راه و روشی خاص برای رسیدن به هدفی مشخص» معنا می‌شود.^{۱۵} همچنین با توجه به خاستگاه آن در زبان انگلیسی در برخی فرهنگ‌نامه‌ها به «روش برای انجام کاری یا مواجهه با یک مشکل»،^{۱۶} «روش برای رویارویی با چیزی»^{۱۷} و «برداشتن گام‌های مقدماتی در جهت هدفی خاص»^{۱۸} تعریف شده است. ازاین‌رو، اصطلاح رویکرد در تحلیل منطقی دارای سه مؤلفه محقق، هدف و روش است و زمانی می‌توان از واژه رویکرد استفاده کرد که موضوع موردبحث جنبه روشی داشته، از دو ویژگی هدفمندی و جهت‌گیری برخوردار باشد. به‌واقع، در هر رویکرد، شخصی (الف) برای دستیابی به هدفی (ب) از روشی (ج) بهره می‌گیرد و این ترکیب برای مثال در رویکرد فقهی این‌چنین نشان داده می‌شود که محقق حلی، برای استنباط احکام شرعی، با روش اجتهادی از سیره پیامبر (ص) استفاده می‌کند.

12. approach.

۱۳. ملکیان، «روش‌شناسی در علوم سیاسی»، ۲۷۳.

۱۴. میرباقری، درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی، ۱۸.

۱۵. کهنتری، «رویکرد»، ۱۶.

16. Pearson Education, "approach," website, Longman Dictionary.

17. Oxford University, "approach," website, oxfordlearnersdictionaries.

18. Noah Webster, "approach," website, Webster's Dictionary.

۱- رویکرد فقهی

یکی از رویکردهای مطرح نسبت به سیره معصومان(ع)، رویکرد فقهی است؛ نگره‌ای که به سیره، به‌عنوان منبع شناخت احکام شرعی می‌نگرد و به هدف کشف آموزه‌های فقهی به بررسی سیره معصومان(ع) می‌پردازد.

۱-۱- تأسیس

در ابتدای این رویکرد که برابر با دوره حیات پیامبر(ص) است و به عصر تشریح معروف است،^{۱۹} سیره پیامبر(ص) به‌عنوان منبع اخذ احکام شرعی معرفی می‌شود؛ چنان‌که وقتی رسول خدا(ص) در تشریح آموزه نماز، به رفتار خود ارجاع می‌دهند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»^{۲۰} و یا برای تبیین احکام حج، مسلمانان را به پیروی از عمل خویش فرامی‌خوانند: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ»^{۲۱} در حقیقت، به سیره به‌عنوان منبع شناخت آموزه‌های فقهی اعتبار می‌بخشند. ایشان همچنین در حدیثی دیگر، سیره خود را منبع تشخیص حلال و حرام الهی معرفی می‌کنند و با ترسیم جایگاه مستقل برای سیره، بر حجیت آن به‌عنوان منبع کشف آموزه‌های فقهی صحه می‌گذارند.^{۲۲}

۱-۲- استناد

در این دوره که هم‌زمان با دوره حضور ائمه معصومین(۱۱-۲۶۰ق) است، عمده استفاده فقهی معصومان از سیره به‌صورت استناد بوده است و ائمه(ع) با ارجاع مخاطبان خود به افعال پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) به تبیین احکام شرعی می‌پرداختند. نمونه این دست از متون را می‌توان در احادیث زیر دنبال کرد. محمد بن مسلم از امام باقر(ع) درباره چگونگی سیره امام نسبت به سرزمینی که بعد از رسول خدا(ص) فتح شد، سؤال می‌کند. امام باقر(ع) در پاسخ می‌فرماید: امیرالمؤمنین(ع) نسبت به اهل عراق با سیره‌ای سلوک فرمود و او امام دیگر سرزمین‌هاست (یعنی همان سیره برای دیگر سرزمین‌ها نیز ملاک عمل خواهد بود).^{۲۳} نمونه دیگر، روایت معاویه بن عمار است که از امام صادق(ع) درباره آب دادن زن حائض به مرد سؤال می‌کند. حضرت در پاسخ می‌فرماید: بعضی از همسران رسول خدا(ص) بر روی دستان ایشان آب می‌ریخت و به ایشان سجاده نماز می‌داد درحالی‌که حائض بود.^{۲۴}

۱-۳- استنباط

در این دوره که مصادف با دوره فقهای شیعه است رویکرد فقهی به سیره پیامبر(ص) توسعه یافته و از شیوه استناد به استنباط تغییر پیدا می‌کند. یعنی فقیهان شیعه تنها به بهره‌گیری از ظاهر متون سیره اکتفا نکرده، به برداشت حکم

۱۹. جناتی، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، ۱۰۳/۱.

۲۰. ابن‌ابی‌جمهور، عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ۱۹۸/۱.

۲۱. همان، ۲۱۵/۱.

۲۲. کراچکی، کنز الفوائد، ۳۵۲/۱.

۲۳. ابن‌بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۵۳/۲.

۲۴. کلینی، الکافی، ۱۱۰/۳.

شرعی از افعال معصوم دست یازیدند. نمونه این قسم از مواجهه با متون سیره را می‌توان در موارد زیر پی گرفت. علامه حلی (۷۲۶ق) در باب «تصاحب اموال اهل بغی» به سیره امیرالمؤمنین (ع) در جنگ جمل استناد می‌کند و حکم به عدم جواز اخذ اموال ایشان می‌دهد.^{۲۵} نمونه دیگر، فتوای محدث بحرانی (۱۱۸۶ق) در خصوص جداسازی زکات از اموال مردم است. وی با استناد به سیره پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) که نمایندگان خود را به مناطق مختلف مملکت اسلامی اعزام می‌کردند و نسبت به اخذ و انتقال زکات مأموریت می‌دادند، حکم به جواز می‌دهد.^{۲۶}

۱-۴- انشعاب

در این دوره، رویکرد فقهی به سیره جلوه دیگری می‌یابد و با عبور از قالب متن، در کالبد کتاب رخ می‌نماید. به‌واقع، نگره فقهی به سیره معصومان (ع) در سطح آثار و مکتوبات دانشمندان ظهور می‌یابد و زمینه پی‌ریزی شاخه جدیدی از مطالعات سیره فراهم می‌گردد؛ گو اینکه فقها و اصولیان شیعه با اختصاص برخی از ابواب و فصول کتاب‌های خود به اصطلاح سیره، به این دست از مطالعات هویت می‌بخشند و آن را به‌عنوان گرایش تازه‌ای از سیره پژوهی به رسمیت می‌شناسند.

۱-۱-۴- تسمیه ابواب کتب فقهی

یکی از نشانه‌های شکل‌گیری گرایش فقهی سیره پژوهی، بهره‌گیری از اصطلاح «سیره» در نام‌گذاری ابواب کتاب‌های فقهی است. این شیوه که در دیگر دانش‌های اسلامی نیز مورد توجه است،^{۲۷} از یک‌سو، نشان از اهتمام این گروه از اندیشمندان به مطالعات سیره دارد و از سوی دیگر، اثربخشی این اصطلاح دینی در شناخت احکام و آموزه‌های شرعی را نشان می‌دهد. فهرست شماری از کتاب‌ها و ابواب فقهی شیعه به شرح زیر است:

۱. محمد بن اشعث (زنده در ۳۱۳ق)، الجعفریات، «باب السیره فی الخیل».

۲. سید مرتضی (۴۳۶ق)، جمل العمل والعمل، «فصل فی سیره الحجج و ترتیب افعاله».

۳. ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق)، الکافی فی الفقه، «فصل فی سیره الجهاد».

شایان ذکر است که این شیوه در میان مکتوبات اهل سنت نیز رواج دارد^{۲۸} و حتی در نام‌گذاری کتاب‌های فقهی

استفاده شده است.^{۲۹}

۲۵. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۲۰۴/۱۵.

۲۶. بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام الغرة الطاهرة، ۲۲۲/۱۲.

۲۷. رضایی کرمانی و زارع زردبنی، «روش نقد و بررسی عنوان کتب و ابواب حدیثی از نگاه علامه محمدتقی شوشتری»، ۱۱۳-۴۰.

۲۸. مالک ابن انس، موطأ، ۳۰۸/۱؛ ابن ابی شیبّه، المصنف فی الأحادیث والآثار، ۴۱۸/۶؛ طحاوی، شرح معانی الآثار، ۲۰۶/۳؛ ابن حبان، الصحيح، ۱۰/۳۳۱.

۲۹. ابویوسف قاضی، الرد علی سیر الأوزاعي؛ شیبانی، السیر الصغیر؛ فزازی، کتاب السیر.

۲-۱-۴- تبیین مسائل اصولی سیره

نشان دیگر بر شکل‌گیری گرایش فقهی سیره پژوهی در این دوره، تبیین مسائل سیره در کتاب‌های اصول فقه است. بدین معنا که از زمان سید مرتضی (۴۳۶ق) فصلی در کتاب‌های اصول فقه شیعه باز می‌شود که تا زمان شیخ انصاری (۱۲۸۱ق) ادامه می‌یابد و مسائلی همچون حجیت فعل معصوم، افعال اختصاصی پیامبر (ص)، و جوب تأسی به پیامبر (ص)، تعارض قول و فعل، دلالت فعل معصوم و... در ذیل عنوان «الافعال» مطرح می‌گردد.^{۳۰} توجه به مباحث نظری سیره پژوهی و پرداخت مستقل در کتاب‌های اصولی، از شواهدی است که وجود نگاه ویژه به مطالعات فقهی سیره را ثابت می‌کند. برخی از کتاب‌های اصولی که به طرح مسائل سیره معصومان (ع) پرداختند از قرار زیر است:

۱. سید مرتضی (۴۳۶ق)، الذریعة إلى أصول الشريعة، «باب الکلام فی الأفعال»

۲. شیخ طوسی (۴۶۰ق)، العدة فی أصول الفقه، «الباب الثامن الکلام فی الأفعال»

۳. محقق حلی (۶۷۶ق)، معارج الأصول، «الفصل الأول فی أفعال النبی»

گفتنی است که این سبک از نگارش در میان کتاب‌های اصولی اهل سنت نیز رونق داشته است و بسیاری از دانشمندان آن‌ها فصلی را به مباحث افعال پیامبر (ص) اختصاص داده‌اند.^{۳۱}

۱-۵- استقلال

در این دوره که نگره یادشده بر مسائل و چالش‌های فقهی سیره تمرکز پیدا می‌کند و عملاً به شاخه مستقلی از مطالعات سیره تبدیل می‌شود. چه، نگارش کتاب‌هایی با موضوع استنباط از سیره،^{۳۲} تدوین پایان‌نامه‌هایی با رهیافت فقیهانه به سیره^{۳۳} و تألیف مقالاتی با محوریت آموزه‌های فقهی سیره،^{۳۴} از جمله نشانه‌هایی است که جهت‌گیری بخشی از مطالعات سیره به سمت مباحث فقهی را نشان می‌دهد. البته اصطلاح فقه السیره تعبیری دوماظوره است که از یک سو، به معنای فهم و درک سیره معصومان (ع) است و از سوی دیگر، در معنای استخراج احکام و آموزه‌های شرعی از سیره به کار می‌رود. آنچه در اینجا مراد است معنای دوم است که نمونه برجسته آن را می‌توان در میراث

۳۰. مردانی گلستانی، توسعه استنباط از فعل معصوم، ۳۸.

۳۱. جصاص، الفصول فی الأصول، ۲۱۵/۳؛ ابن حزم، الإحکام فی أصول الأحکام، ۳۹/۴؛ سرخسی، الأصول، ۸۶/۲؛ غزالی، المستصفی، ۲۷۴.

۳۲. عالم زاده نوری، استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم؛ مردانی گلستانی، توسعه استنباط از فعل معصوم؛ آصف آگاه، شئون معصوم و نقش آن در استنباط (رساله سطح چهار حوزه).

۳۳. امینی، تحلیل رویکرد عملی فقیهان امامیه در مواجهه با سنت فعلی (رساله دکتری)؛ بیگلری، بررسی رویکرد فقیهان امامیه در مواجهه با سیره عملی معصومان (رساله دکتری)؛ فتاحی وانانی، بررسی رویکرد عملی فقیهای امامیه در مواجهه با سنت فعلی (رساله دکتری).

۳۴. اردستانی و مومنی، «سنت فعلی پیامبر و جایگاه آن در استنباط حکم از دیدگاه فریقین»، ۷۵-۹۵؛ داداش نژاد و هاشمی، «روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا (ص)»؛ جعفریان، «رویکرد فقهی به سیره نبوی در یک صد سال گذشته»، ۷۶-۶۵۹.

مکتوب اهل سنت دنبال کرد؛ کتاب‌هایی که به هدف کشف آموزه‌های فقهی به مطالعه سیره نبوی پرداختند و با عنوان رایج فقه السیره نشر یافتند.^{۳۵}

۲- رویکرد حدیثی

رویکرد حدیثی به‌عنوان یکی دیگر از رویکردهای شاخص درباره سیره معصومان (ع) شناخته می‌شود؛ نگره‌ای که به سیره همچون الگوی زندگی می‌نگرد و به هدف بهره‌گیری عملی به بررسی سیره معصومان (ع) می‌پردازد.

۱- ۲- تأسیس

نخستین مرتبه‌ای که رویکرد حدیثی (الگومدارانه) به سیره معصومان مطرح می‌شود در قرآن کریم است؛ آنجا که خداوند متعال وجود مقدس رسول خدا (ص) را به‌عنوان اسوه معرفی می‌کند و مؤمنان را به پیروی از ایشان فرا می‌خواند: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة».^{۳۶} موضوع تأسی در آیه شریفه، افعال رسول خدا (ص) است^{۳۷} که به‌ضمیمه خصوصیت «استمرار» که از منطوق آیه استفاده می‌شود،^{۳۸} «سیره» رسول خدا (ص) را در برمی‌گیرد؛ گو اینکه خداوند متعال سیره رسول خدا (ص) را اسوه و سرمشق مؤمنان معرفی می‌کند و آنان را به تبعیت از رفتارهای حضرت دعوت می‌کند. به دیگر سخن، واژه‌گزینی «اسوه» به جای تعبیری چون «سنت» و «سیره» که معمولاً برای انعکاس شخصیت رسول خدا (ص) استفاده می‌شود، نشان می‌دهد که کارکرد اصلی سیره رسول خدا (ص) از نگاه قرآن، تأسی و الگوگیری است و قرآن کریم با این تعبیر، نقش اسوگی و الگودهی رسول خدا (ص) را در کنار دیگر نقش‌ها و رسالت‌های ایشان برجسته می‌سازد.

۲- ۲- تبیین

دومین مرحله از سیر تاریخی رویکرد حدیثی، تبیین عترت از این رویکرد است. زیرا خاستگاه قرآنی رویکرد حدیثی در کنار نقش تبیینی اهل بیت نسبت به آیات وحی^{۳۹} سبب گردید تا پیشوایان معصوم در چارچوب احادیثی که به موضوع سیره اختصاص دارد، به شرح و تبیین رویکرد حدیثی بپردازند. در این باره توجه به دو نکته حائز اهمیت است. نخست آنکه رویکرد حدیثی به سیره معصومین نشانه‌هایی دارد که از طریق برخی کلیدواژه‌ها قابل تشخیص است؛ واژگانی مانند سیره، اسوه، سنت و کلماتی همچون اقتدا، تبعیت، تأسی، اهتداء و... که در حقیقت نشان‌دهنده رویکرد عملی و کاربردی سیره معصومان است. دیگر آنکه تبیین اهل بیت نسبت به رویکرد حدیثی، گونه‌های

۳۵. غزالی، فقه السیره؛ بوطی، فقه السیره النبویة؛ غضبان، فقه السیره النبویة.

۳۶. احزاب/ ۲۱.

۳۷. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۳۲۹/۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ۵۴۸/۸؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۸۸/۱۶.

۳۸. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۸۸/۱۶.

۳۹. نحل/ ۴۴.

مختلفی دارد که می‌توان در قالب چند عنوان محوری جای داد؛ ضرورت پیروی از سیره معصومان، معرفی الگوهای عملی، عرصه‌های الگوگیری و هماهنگی رفتار معصومان از جمله مهم‌ترین این عناوین است.

۱-۲-۲- بیان ضرورت پیروی از سیره

یکی از گونه‌های تبیین عترت نسبت به رویکرد حدیثی، بیان ضرورت و بایستگی پیروی از سیره معصومان است. زیرا یکی از عناصر مهم و محوری در رویکرد حدیثی، عمل‌گرایی و پابندی به آموزه‌های سیره معصومان است. از این رو، پیشوایان دین با تأکید بر نقش الگودهی معصومان، ضرورت تبعیت از رفتار ایشان را یادآور شدند. برای نمونه، امام باقر(ع) در رهنمودی به جابر بن یزید جعفی، محبت اهل بیت را بدون عمل به دستورات ایشان بی‌فایده دانسته و بر لزوم تبعیت از سیره معصومان تصریح نمودند.^{۴۰}

۲-۲-۲- بیان مصادیق و الگوهای عملی

گونه دیگر از تبیین رویکرد حدیثی، معرفی نمونه‌های عینی الگوگیری است. چنان‌که امیرالمؤمنین(ع)، حضرت زهرا(س) و امام حسین(ع)، شخصیت‌هایی هستند که در روایات به‌عنوان الگو و سرمشق زندگی معرفی شده‌اند. برای نمونه، امیرالمؤمنین در فرازی از خطبه ۱۸۷ نهج البلاغه، با تشبیه خود به چراغی فروزان، مردم را به بهره‌گیری از روشنای هدایت‌گرانه خویش دعوت نمودند.^{۴۱}

۳-۲-۲- بیان عرصه‌ها و زمینه‌های الگوگیری

بیان عرصه‌ها و زمینه‌های الگوگیری، گونه دیگری از تبیین عترت نسبت به رویکرد حدیثی است. چراکه بهره‌گیری عملی از سیره و کاربست آن در بستر زندگی، نیازمند شناخت پهنه‌ها و صحنه‌هایی است که امکان الگوگیری از پیشوایان دینی را فراهم آورد. از این رو، ائمه(ع) با ذکر برخی از حوزه‌های کارآمدی اسوه‌های دینی، به تبیین نقش معصومان(ع) در ساحت‌های مختلف زندگی پرداختند. برای نمونه، امام صادق(ع) ضمن تسلی دادن یکی از اصحاب به خاطر از دست دادن فرزندش، تاب‌آوری در مصیبت را یکی از صحنه‌های الگوگیری از رسول خدا(ص) دانستند.^{۴۲}

۴-۲-۲- بیان هماهنگی میان رفتار معصومان

بر پایه مبانی پذیرفته شده، رفتارهای معصومان به‌رغم تنوع و تفاوتی که در مصادیق و جهات صدور و مقتضیات زمان و مکان دارند، از هماهنگی و هم‌آوایی لطیفی برخوردار است؛ چرا که افعال ایشان از یک مبنا، منشأ و مشرب واحد

۴۰. کلینی، الکافی، ۲/ ۷۴.

۴۱. شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷.

۴۲. کلینی، الکافی، ۳/ ۲۰۴.

سرچشمه می‌گیرد و از یک معیار یکسان (وحی) پیروی می‌کند.^{۴۳} از همین رو، ائمه معصومین(ع) ضمن اشاره به برخی از ناسازواری‌های ظاهری بین سیره معصومان، بر موافقت و هماهنگی میان سیره پیشوایان تصریح کردند. برای نمونه، امام صادق(ع)، سیره امیرالمؤمنین(ع) در جنگ جمل را مطابق سیره رسول خدا(ص) در فتح مکه دانسته و به بیان وجوه مشابهت آن‌ها در جهاد با اهل قبله پرداختند.^{۴۴}

۳-۲- ترویج

سومین و آخرین مرحله از تطوّر رویکرد حدیثی، توسعه و ترویج آن است که توسط دو گروه از افراد صورت گرفته است. یکی محدثان که با نام‌گذاری ابواب کتاب‌های حدیثی، به ترویج رویکرد حدیثی پرداختند و دیگری محققان معاصر که با تألیف آثار پژوهشی مرتبط، رویکرد حدیثی را بسط و نشر دادند.

۱-۳-۲- نام‌گذاری ابواب کتاب‌های حدیثی

یکی از فوایدی که از رهگذر تتبع در اسامی کتاب‌ها و ابواب حدیثی به دست می‌آید، شناخت تاریخ تداول و تطوّر اصطلاحاتی است که در عناوین کتاب‌ها به کار رفته است. از این رو، ردیابی اصطلاح «سیره» در اسامی ابواب کتاب‌های حدیثی یکی از راه‌هایی است که می‌توان به کمک آن به رونق رویکرد حدیثی دست یافت و میزان اهتمام صاحبان آثار را به این رویکرد سیره پژوهی تشخیص داد. یکی از محدثانی که به تنظیم موضوعی احادیث توجه نشان داده و به باب بندی متون روایی پرداخته است، ابراهیم بن هلال ثقفی(۲۸۳ق) صاحب کتاب الغارات است. وی برای نمایاندن مضمون احادیثی که موضوع غالب آن‌ها رفتار امیرالمؤمنین(ع) نسبت به بیت‌المال است، از واژه «سیره» استفاده کرده و این باب را «سیرته ع فی المال» نامیده است.^{۴۵} ثقفی در باب یادشده، تعداد ۲۰ حدیث نقل کرده است که هرکدام گوشه‌ای از سلوک عملی حضرت نسبت به اموال عمومی مردم را روایت می‌کند. محمد بن یعقوب کلینی(۳۲۹ق)، یکی دیگر از محدثان شهیر شیعه است که در نام‌گذاری برخی از ابواب کتاب الکافی از واژه «سیره» استفاده کرده است. وی در کتاب الحجّة، بابی را با عنوان «سیره الإمام فی نفسه و فی المَطْعَم و المَلْبَس إِذَا وَلِيَ الْأَمْرَ» گشوده و چهار حدیث ذیل آن نقل کرده است.^{۴۶} در نهایت محمدباقر مجلسی(۱۱۱۰ق) از جمله محدثان بزرگ شیعه است که در نام‌گذاری برخی از ابواب کتاب بحار الأنوار از تعبیر «سیره» استفاده کرده است. وی در بیان شرح حال زندگانی برخی از معصومان از واژه سیره استفاده کرده و عناوینی را همچون «بَاب مَكَارِمِ أَخْلَاقِهِ وَ سِيرِهِ وَ سُنَّتِهِ وَ مَا أَدَّبَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ»^{۴۷} برگزیده است.

۴۳. مردانی گلستانی، توسعه استنباط از فعل معصوم، ۳۳.

۴۴. قمی، تفسیر القمی، ۳۲۱/۲.

۴۵. ثقفی، الغارات، ۳۱/۱.

۴۶. کلینی، الکافی، ۴۱۰/۱.

۴۷. مجلسی، بحار الأنوار، ۱۶/۱۹۴.

۲-۳-۲- تألیف آثار پژوهشی مرتبط

اهتمام به کارکرد عملی سیره معصومان و نیز پاسخگویی به ابهامات پیش‌روی الگوگیری از معصومان(ع)، از جمله عواملی است که موجب رونق رویکرد حدیثی در دوره معاصر گردید و زمینه گسترش مطالعات سیره را پدید آورد. در این میان، برخی از موضوعات مربوط به سیره معصومان که در تألیفات محققان معاصر انعکاس یافته است، ارتباط و وابستگی بیشتری با رویکرد حدیثی دارد. برای نمونه «سبک زندگی اهل بیت» یکی از موضوعات مرتبط با رویکرد حدیثی است که مباحث روشی و منطق عملی سیره معصومان را پوشش می‌دهد؛ چنان‌که کتاب سبک زندگی اهل بیت(ع)؛ ویژگی‌ها، حجیت، قلمرو اثر محمدصادق یوسفی مقدم، از جمله آثار پژوهشی مرتبط با این موضوع است. همچنین، «آموزه‌های رفتاری معصومان» از دیگر موضوعات مرتبط با رویکرد حدیثی است که جنبه‌های عملی و قابل تأسی سیره معصومان را نشان می‌دهد. کتاب‌هایی چون حلیة المتقین محمدباقر مجلسی و سنن النبی سید محمدحسین طباطبایی، از جمله آثار پژوهشی است که این حوزه مطالعاتی را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر، «چالش‌های الگوگیری از معصومان» در زمره موضوعات وابسته به رویکرد حدیثی است که محدودیت‌های بهره‌گیری از سیره معصومان را بررسی می‌کند. برای مثال، محمد مهدی کامیابی در کتاب امکان الگو برداری از معصوم، تفاوت مرتبه معنوی معصومان را می‌سنجد و محمد عالم زاده نوری در کتاب استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم، اختلاف بین سیره معصومان را طرح می‌کند.

۳- رویکرد تاریخی

رویکرد تاریخی به سیره معصومان(ع) یکی دیگر از رویکردهای مهم سیره پژوهی است که سیره را به‌عنوان گزارشی از سرگذشت پیامبر و خاندان ایشان می‌شناسد. به بیان دیگر، در رویکرد تاریخی سیره به‌مثابه گزارشی از تاریخ حیات معصومان نگریسته می‌شود و به هدف کشف واقع تاریخی مطالعه می‌شود.

۱-۳- تأسیس

رویکرد تاریخی به سیره معصومان با اصطلاح «مغازی» آغاز گردید؛^{۴۸} چنان‌که به‌گفته فؤاد سزگین، نخستین کاربرد سیره در خصوص زندگانی پیامبر مربوط به دوره تابعین است که ابتدا با عنوان مغازی و سپس با تعبیر سیره به کار می‌رفت.^{۴۹} همچنین روایت منسوب به امام سجاد(ع) (م ۹۵) که از تدریس و آموزگاری سیره نبوی خبر می‌دهد،^{۵۰} مؤید دیگری است که آغازگری مطالعات سیره با عنوان مغازی را تأیید می‌کند. البته این موضوع (آغاز

۴۸. تهنوی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ۱/ ۹۹۸.

۴۹. سزگین، تاریخ التراث العربی، ۱/ ۶۵.

۵۰. خطیب بغدادی، الجامع لأخلاق الراوی وآداب السامع، ۲/ ۱۹۵.

رویکرد تاریخی) در خصوص سیره اهل بیت (ع) متفاوت است و نخستین نگاه‌ها در این باره حکایت از کاربرد اصطلاحی دیگر بنام «تسمیه‌نگاری» دارد؛^{۵۱} چنان‌که عبیدالله بن ابی‌رافع صحابی و کاتب امام علی (ع) نخستین فردی است که درباره تاریخ اهل بیت (ع) قلم زد و نخستین میراث مکتوب شیعه را به یادگار گذاشت. وی فهرستی از صحابه همراه امام را که در نبردهای جمل، صفین و نهروان حاضر بودند با نام «تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین علی (ع) الجمل و صفین و النهروان من الصحابه» نگاشت^{۵۲} و جریان سیره‌نگاری را در شاخه شیعی به مفهوم همدلی، همفکری و همراهی با او بنا نهاد.

۲-۳- توسعه

بررسی آثار شیعیان در خصوص سیره معصومان چنین نشان می‌دهد که مطالعات سیره پژوهی در این دوره گسترش می‌یابد و در بخش سیره‌نگاری توسعه پیدا می‌کند. چراکه یکی از روش‌های معتبر برای دریافت تاریخ تداول یک اصطلاح خاص پی‌جویی استعمالات آن اصطلاح در منابع مکتوب است.

البته غرض از این بحث، بررسی همه نگاه‌های مربوط به سیره معصومان نیست بلکه هدف، مرور مهم‌ترین نمونه‌های سیره‌نگاری است که به ترتیب ادوار تاریخی تنظیم شده است. برای این منظور، کتاب‌هایی معرفی می‌شوند که ۱. با رویکرد تاریخی هماهنگ باشند، ۲. جزء میراث شیعیان محسوب شوند، ۳. به‌عنوان آثار سیروی شناخته گردند.

۱-۲-۳- دوره اصحاب (قرن ۱ و ۲ هجری)

در این دوره، اصحاب ائمه (ع) با تمرکز بر قلمرو کوفه و باهدف برجسته‌سازی نقش معصومان (ع)، به تدوین سیره و تاریخ معصومان همت گمارده و آثار مختلفی را به یادگار نهادند. چنان‌که، جابر بن یزید جعفی (۱۲۸ق) از محدثان سرشناس و بزرگ کوفه، آثار متعددی را همچون کتاب الجمل، کتاب صفین، کتاب النهروان، کتاب مقتل امیرالمؤمنین (ع) و کتاب مقتل الحسین (ع) تألیف کرد.^{۵۳} ابان بن تغلب (۱۴۱ق) از دیگر افراد نامدار شیعه، کتاب صفین و کتاب الفضائل را به رشته تحریر درآورد.^{۵۴} ابومخنف لوط بن یحیی (۱۵۷ق) از مشاهیر و بزرگان کوفه، کتاب مغازی، الجمل و النهروان را در حوزه تاریخ معصومان نگاشت^{۵۵} و ابان بن عثمان احمر (زیسته در ۱۷۰ق) از عالمان برجسته شیعه، کتاب المبتدأ و المغازی و الوفاة و الردة را درباره سیره پیامبر فراهم آورد.^{۵۶} اهتمام به

۵۱. حسینی جلالی، «التسمیات طلیعة المؤلفات فی الحضارة الاسلامیه»، ۱۹/۱۵.

۵۲. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و اصحاب الاصول، ۳۰۷.

۵۳. نجاشی، رجال النجاشی، ۱۲۹.

۵۴. همان، ۱۱.

۵۵. همان، ۳۲۰.

۵۶. همان، ۱۳.

تک‌نگاری، گرایش عمومی به حفظ جزئیات و بهره‌برداری از زبان شعر، از جمله ویژگی‌های سیره‌نگاری در این دوره است.^{۵۷}

۲-۲-۳- دوره متقدمین (قرن ۳ تا ۵ هجری)

در این دوره دانشمندان شیعه در کنار تألیف آثار فراوان فقهی، حدیثی و قرآنی به عرصه سیره‌نگاری ورود کردند و به انگیزه یافتن ریشه‌های تفکر کلامی به نگارش کتاب‌هایی درباره تاریخ و سیره معصومان دست یازیدند. این نهضت علمی که با تکیه بر آرای امامان شیعه انجام گرفت از یک سو، انحصار تدوین سیره نبوی را که در اختیار یک جریان فرهنگی خاص بود شکست و از سوی دیگر، مکتب سیره‌نگاری عراقی را در برابر مکتب سیره‌نگاری مدنی بنیان نهاد. برخی از مهم‌ترین آثار این دوره از قرار ذیل است:

۱. احمد بن محمد خالد برقی (۲۸۰ ق)، بنات النبی و ازواجه^{۵۸}
۲. ابراهیم بن محمد ثقفی (۲۸۳ ق)، کتاب السیره^{۵۹}
۳. اسماعیل بن علی نوبختی (۳۱۱ ق)، الانوار فی تواریخ الأئمه^{۶۰}
۴. محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (۴۱۳ ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد.

۳-۲-۳- دوره متأخرین (قرن ۶ تا ۱۳ هجری)

پس از کوشش‌های شیعیان برای نگارش سیره نبوی در پنج قرن نخست هجری، اولویت نویسندگان شیعی از قرن پنجم هجری به بعد تغییر کرد و اغلب، از نگارش درباره پیامبر به پژوهش درباره زندگی اهل بیت گرویدند. در این دوره، شیعیان نگارش اختصاصی درباره سیره پیامبر را رها کرده و بیشتر به نگارش آثاری روی آوردند که علاوه بر زندگانی پیامبر شامل سیره سیزده معصوم بعد از ایشان هم بود. برخی از مهم‌ترین آثار در این دوره عبارت‌اند از:

۱. فتال نیشابوری (۵۰۸ ق)، روضة الواعظین
۲. فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی
۳. حسن بن فضل طبرسی (۶ ق)، مکارم الاخلاق
۴. علی بن عیسی اربلی (۶۹۲ ق)، کشف الغمّة فی معرفة الأئمه

۴-۲-۳- دوره معاصر (۱۴ و ۱۵ هجری)

در این دوره نیز شماری از محققان شیعه در راستای نیل به رسالت مذهبی خویش و نیز پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه علمی زمان، به نگارش آثاری چند درباره سیره معصومان پرداختند. رویکرد غالب این نگاشته‌ها توصیفی و متکی بر

۵۷. حسینیان مقدم، تطورشناسی سیره‌نگاری یا تکیه بر اصحاب امامان، ۳۹.

۵۸. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و اصحاب الأصول، ۵۳.

۵۹. نجاشی، رجال النجاشی، ۱۷.

۶۰. همان، ۳۲.

مصادر پیشین بوده است و کمتر به نقد و تحلیل اخبار و آرای منقول پرداخته است. برخی از مهم‌ترین آثار در این دوره به شرح زیر است:

۱. شیخ عباس قمی (۱۳۵۹ق)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل

۲. سید محسن امین (۱۳۷۱ق)، فی رحاب ائمه اهل‌البیت (ع)

۳. هاشم معروف حسنی (۱۴۰۴ق)، سیره الائمة الاثني عشر

۳-۳- تنوع

در این مرحله از تطوّر رویکرد تاریخی - که بازه زمانی بین قرن سوم تا ششم هجری را در برمی‌گیرد - مطالعات سیره پژوهی تنوع می‌یابد و با ورود برخی شاخه‌های سیره‌نگاری گونه‌گون می‌شود و زمینه ایجاد نوع جدیدی از تاریخ‌نگاری شیعی پدید می‌آید. در این خصوص، با تمرکز بر جریان فکری شیعیان در مطالعات سیره معصومان، می‌توان از دو طیف سیره‌نگاری یاد کرد که شکل جزئی‌تری پیدا کرده است؛ یکی در خصوص سیره پیامبر و دیگری درباره سیره اهل‌بیت.

۱-۳-۳- سیره پیامبر (ص)

منابع سیره پژوهی در بخش سیره نبوی دست‌کم شامل چهار دسته مختلف می‌شود: تسمیه‌نگاری، مغازی‌نگاری، مناقب‌نگاری و وقایع‌نگاری. منظور از «تسمیه‌نگاری» نوعی از نگارش تاریخی - شرح‌حالی است که در تاریخ‌نگاری اسلامی به صورت یک روش از آن استفاده می‌شده است.^{۶۱} در این روش، اسامی اشخاص یا اشیاء خاص فهرست‌وار ذکر می‌گردد و به صورت کوتاه به معرفی آن‌ها می‌پردازد. «مغازی‌نگاری» گونه دیگری از سیره‌نگاری است که در آن از اخبار جنگ‌ها و غزوات پیامبر سخن می‌رود. «مناقب‌نگاری» یکی دیگر از سبک‌های سیره‌نگاری است که می‌کوشد با بهره‌گیری از روایات اهل‌بیت به بیان فضائل و صفات نیکوی پیامبر بپردازد و برتری ایشان نسبت به دیگران را به اثبات برساند.^{۶۲} «وقایع‌نگاری» شاخه دیگری از سیره‌نگاری است که به صورت ویژه بعضی از حوادث و رخدادهای زندگانی پیامبر مانند بعثت، هجرت، معراج و وفود را مورد بررسی قرار می‌دهد.^{۶۳} برخی از مهم‌ترین آثار مربوط به هر یک از گونه‌های یادشده از قرار ذیل است:

الف. تسمیه‌نگاری

۱. کتاب اسماء رسول‌الله،^{۶۴} حسن بن خرزاد (قرن ۳)

۲. کتاب اسماء النبی و الأئمه،^{۶۵} حسین بن حمدان خصیبی (۳۵۸ق)

۶۱. حسینی جلالی، «التسمیات طلیعة المؤلفات فی الحضارة الاسلامیه»، ۱۱۶.

۶۲. مجلسی، بحار الأنوار، ۳۵۱/۲۶.

۶۳. یعقوب زاده و دیگران، «تبین رویکردهای سیره‌نگاران امامیه به سیره پیامبر (ص) در قرون دوم تا چهارم هجری»، ۹۹.

۶۴. نجاشی، رجال النجاشی، ۴۴.

۳. کتاب أسماء آلات رسول الله،^{۶۶} علی بن حسن بن علی بن فضال

ب. مغازی نگاری

۱. کتاب مغازی،^{۶۷} ابومخنف (۱۵۷ق)

۲. کتاب المغازی،^{۶۸} احمد بن محمد خالد برقی (۲۸۰ق)

۳. کتاب المغازی،^{۶۹} علی بن ابراهیم قمی (زیسته در ۳۰۷ق)

ج. مناقب نگاری

۱. فضل النبی (ص)،^{۷۰} احمد بن محمد بن عیسی اشعری (۲۵۰ق)

۲. کتاب فضل النبی،^{۷۱} سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری (قرن ۳)

۳. المعرفة فی فضل النبی،^{۷۲} شیخ صدوق (۳۸۱ق)

د. وقایع نگاری

۱. المعراج،^{۷۳} هشام بن سالم (زنده در ۱۸۳ق)

۲. مبعث النبی و اخباره،^{۷۴} عبدالله بن میمون القداح (حدود ۲۶۰ق)

۳. الوفود علی النبی،^{۷۵} حسین بن محمد ازدی (قرن ۳)

۲-۳-۳- سیره اهل بیت (ع)

این دست از منابع در بخش سیره اهل بیت (ع) نیز شاخه‌ها و شعبه‌های متعددی پیدا کرده است که دست‌کم چهار گونه مختلف را در برمی‌گیرد: مولد نگاری، نبرد نگاری، فضائل نگاری و مقتل نگاری.^{۷۶} «مولد نگاری» شاخه‌ای از

۶۵. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الاصول، ۱۴۶.
۶۶. نجاشی، رجال النجاشی، ۲۵۸.

۶۷. همان، ۳۲۰.

۶۸. همان، ۷۷.

۶۹. همان، ۲۶۰.

۷۰. همان، ۸۲.

۷۱. همان، ۱۷۸.

۷۲. همان، ۳۸۹.

۷۳. همان، ۴۳۴.

۷۴. همان، ۲۱۳.

۷۵. همان، ۶۵.

۷۶. گفتنی است که بعضی از محققان، موضوعاتی دیگری همچون قضاوت، وصایت، مناظره، شورا و خطبه را نیز به‌عنوان گونه‌های سیره نگاری اهل بیت معرفی کرده‌اند. اگرچه منابع رجالی شیعه از وجود نگاشته‌هایی در این باره خبر می‌دهد لکن همان‌گونه که محقق محترم خود در مورد برخی از عناوین اذعان داشته است این دست از موضوعات صیغه تاریخی ندارند و نمی‌توان آن‌ها را در ردیف سبک‌های سیره نگاری به‌شمار آورد. حسینیان مقدم، تطور شناسی سیره نگاری با تکیه بر اصحاب امامان، ۲۱۲.

تاریخ‌نگاری اسلامی است که در آن به زمان و مکان تولد اشخاص - بدون ارائه شرح حال کاملی از آن‌ها - پرداخته می‌شود.^{۷۷} «نبرد نگاری» شاخه دیگری از تاریخ‌نگاری اسلامی است که - در برابر اصطلاح «مغازی» که به اخبار جنگ‌ها و غزوات پیامبر اختصاص دارد - به اخبار جنگ‌های امیرالمؤمنین می‌پردازد و به صورت ویژه نبردهای سه‌گانه حضرت یعنی جمل، صفین و نهروان را پوشش می‌دهد. «فضائل نگاری» عنوان دیگری از سبک‌های سیره‌نگاری شیعه است که به ذکر فضائل و مناقب اهل بیت به‌ویژه امیرالمؤمنین (ع) می‌پردازد. «مقتل نگاری» از دیگرگونه‌های تک‌نگاری در حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی است که محور اصلی آن شخصیت‌هایی است که در پی حوادثی کشته می‌شوند. نخستین نگارش‌ها در حوزه تاریخ تشیع به حادثه عاشورا و برخورد خونین حاکمان با رهبران شیعه بازمی‌گردد.^{۷۸} برخی از مهم‌ترین آثار درباره گونه‌های یادشده از قرار ذیل است:

الف. مولد نگاری

۱. کتاب مولد الحسین بن علی و مقتله،^{۷۹} سلمة بن خطاب براوستانی (۲۸۰ ق)
۲. اخبار فاطمة و منشأها و مولدها،^{۸۰} محمد بن زکریا غلابی (۲۹۸ ق)
۳. کتاب مولد امیر المؤمنین (ع)،^{۸۱} محمد بن علی بن بن بابویه (۳۸۱ ق)

ب. نبرد نگاری

۱. کتاب صفین،^{۸۲} ابان بن تغلب (۱۴۱ ق)
۲. الغارات،^{۸۳} ابراهیم بن محمد ثقفی (۲۸۳ ق)
۳. کتاب الجمل،^{۸۴} احمد بن محمد بن خالد برقی (۲۸۰ ق)

ج. فضائل نگاری

۱. کتاب الفضائل،^{۸۵} جابر بن یزید جعفی (۱۲۸ ق)
۲. فضائل امیرالمؤمنین (ع)،^{۸۶} علی بن ابراهیم قمی (زیسته در ۳۰۷ ق)

۷۷. حسینیان مقدم، «میلادنگاری در سه قرن نخست یا تکیه بر نقش اصحاب امامان»، ۷۳-۹۴.

۷۸. حسینیان مقدم، تطور شناسی سیره نگاری با تکیه بر اصحاب امامان، ۱۵۷.

۷۹. نجاشی، رجال النجاشی، ۱۸۷.

۸۰. همان، ۳۴۷.

۸۱. همان، ۳۹۲.

۸۲. همان، ۱۱.

۸۳. همان، ۱۷.

۸۴. همان، ۷۷.

۸۵. همان، ۱۲۹.

۸۶. همان، ۲۶۰.

۳. مناقب امیرالمؤمنین(ع)،^{۸۷} احمد بن ابراهیم بن المعلى (بعد از ۳۵۰ق)

د. مقتل نگاری

۱. مقتل امیرالمؤمنین(ع)،^{۸۸} جابر بن یزید جعفی (۱۲۸ق)

۲. مقتل الحسین(ع)،^{۸۹} ابراهیم بن إسحاق نهاوندی (زنده در ۲۷۳ق)

۳. مقتل الحسین(ع)،^{۹۰} ابراهیم بن محمد ثقفی (۲۸۳ق)

۳-۴- تحلیل

در این مرحله از تداول رویکرد تاریخی - که عمدتاً در دوره معاصر رخ می دهد- مطالعات سیره پژوهی از روش توصیفی به روش تحلیلی تغییر می کند و شمار آثاری که با رویکرد انتقادی تألیف می شود افزایش می یابد. برای نمونه، دو کتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم و الصحیح من سیره الامام علی(ع) اثر سید جعفر مرتضی عاملی، دو کتاب سیره رسول خدا(ص) و حیات فکری و سیاسی امامان شیعه تألیف رسول جعفریان، کتاب مکاتیب الرسول نوشته علی احمدی میانجی و کتاب سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه نگاشته محمدرضا جباری جزء آثار مهم سیره پژوهی در این دوره هستند. در این میان، عواملی چند در رواج رویکرد تحلیلی نقش داشته و به تعمیق و تدقیق مطالعه سیره کمک کردند؛ برای نمونه ۱. ترجمه مطالعات مستشرقان و پاسخ به شبهات ایشان درباره سیره پیامبر(ص)،^{۹۱} ۲. تلاش برای فهم سیره معصومان و تبیین آموزه های دینی آن،^{۹۲} ۳. رواج مطالعات بین رشته ای و بررسی نسبت سیره با دانش های گوناگون،^{۹۳} ۴. طرح مسائل چالشی همچون راستی آزمایی متون سیره،^{۹۴} تاریخت سیره معصومان^{۹۵} و غیره از جمله آن هاست.

نتیجه گیری

برآیند مطالعه رویکردهای سیره پژوهی حاکی از آن است که:

۱. سیره پژوهی در اندیشه شیعی از سه زاویه مختلف قابل بررسی است.

۸۷. همان، ۹۶.

۸۸. همان، ۱۲۹.

۸۹. همان، ۱۹.

۹۰. همان، ۱۷.

۹۱. کریمی نیا، سیره پژوهی در غرب: گزیده متون و منابع، ۲۱.

۹۲. مطهری و یوسفیان، «درآمدی بر سیره امام هادی(ع) در زمینه روابط خویشاوندی»، ۱۰۳-۲۴.

۹۳. خان محمدی، «تحلیلی بر سیره ارتباطات میان فردی پیامبر اسلام»، ۳۷-۶۶.

۹۴. شهیدی، «معیارهای ارزیابی اخبار تاریخی در سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ»، ۱۰۵-۱۵.

۹۵. مردانی گلستانی، «محدودیت تاریخی افعال پیامبر(ص) و راهکار برون رفت از آن»، ۲۲۹-۵۰.

۲. سه رویکرد فقهی، حدیثی و تاریخی از مهم‌ترین رویکردهای سیره پژوهی در مطالعات شیعی است.
۳. همه رویکردهای سیره پژوهی سه مرحله تأسیس، تبیین و توسعه را پشت سر گذاشته‌اند.
۴. شناخت رویکردهای سیره پژوهی در شناخت قلمرو و مفهوم سیره پژوهی تأثیر به‌سزایی دارند.
۵. رویکرد حدیثی بیشترین نمود را در آثار و اندیشه محققان شیعی داشته است.

فهرست منابع

- ابن ابی شیبه، ابوبکر. المصنف في الأحاديث والآثار. رياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹.
- ابن انس، مالک. موطأ. بيروت: المكتبة العلمية، بی‌تا.
- ابن حبان، محمد. الصحيح. بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴.
- ابن حزم، علی بن احمد. الإحكام في أصول الأحكام. بيروت: دار الآفاق الجديدة، بی‌تا.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. عوالي اللئالی العزیزية في الأحاديث الدينية. قم: موسسه سيد الشهداء، ۱۴۰۳.
- ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۳۶۳.
- بحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۳۶۳.
- تهانوی، محمدعلی. موسوعة كشاف إصطلاحات الفنون و العلوم. بيروت: مكتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۶.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد. الغارات. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵.
- جصاص، احمد بن علی. الفصول في الأصول. كويت: وزارة الأوقاف الكويتية، ۱۴۱۴.
- جعفریان، رسول. سیره رسول خدا(ص). قم: دلیل ما، ۱۳۸۶.
- جعفریان، رسول. «رویکرد فقهی به سیره نبوی در یک‌صد سال گذشته». مقالات و رسالات تاریخی، ش. ۱(۱۳۹۱): ۷۶-۶۵۹.
- جناتی، محمد ابراهیم. تطور اجتهاد در حوزه استنباط. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- حسینی جلالی، سید محمد رضا. «التسميات طليعة المؤلفات في الحضارة الاسلامية». تراثنا، ش. ۲، ۱۴۰۹ ق.
- حسینیان، حامد. «سیره پویا؛ چالش‌های فراروی عمل به سیره و راه برون‌رفت از آن». تاریخ اسلام، ش. ۵۸(۱۳۹۳): ۷-۳۷.
- حسینیان مقدم، حسین. «میلاذ نگاری در سه قرن نخست با تکیه بر نقش اصحاب امامان». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش. ۱۵(۱۳۹۳): ۷۳-۹۴.
- حسینیان مقدم، حسین. تطور شناسی سیره نگاری با تکیه بر اصحاب امامان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
- خان محمدی، کریم. «تحلیلی بر سیره ارتباطات میان فردی پیامبر اسلام». تاریخ اسلام، ش. ۳۷(۱۳۸۸): ۳۷-۶۶.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. الجامع لأخلاق الراوي وأداب السامع. رياض: مكتبة المعارف، ۱۴۰۳ ق.

- داداش نژاد، منصور، و مرضیه سادات هاشمی. «روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا(ص)». مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، ش. ۹۱(۱۳۹۲): ۸۹-۱۰۸.
- رضایی کرمانی، محمدعلی و احمد زارع زردینی. «روش نقد و بررسی عنوان کتب و ابواب حدیثی از نگاه علامه محمدتقی شوشتری». حدیث پژوهی، ش. ۴(۱۳۸۹): ۱۱۳-۴۰.
- سرخسی، محمد بن احمد. الأصول. بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- سزگین، فؤاد. تاریخ التراث العربی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۲ ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین. نهج البلاغة. قم: موسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴.
- شهیدی، روح الله. «معیارهای ارزیابی اخبار تاریخی در سیره الحسین فی الحدیث و التاریخ»، آینه پژوهش، ش. ۱۷۹(۱۳۹۸): ۱۰۵-۱۵.
- طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۲.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان. بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۸.
- طحوی، احمد بن محمد. شرح معانی الآثار. مدینه منوره: عالم الکتب، ۱۴۱۴.
- طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن. فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۳۷۸.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد. المستصفی. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳.
- قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴.
- کامیابی، محمد مهدی. الگوبرداری از معصومان (ع): مفهوم شناسی تأسی و امکان سنجی. قم: بنیاد فرهنگی امامت، ۱۳۹۸.
- کراجکی، محمد بن علی. کنز الفوائد. قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰.
- کریمی نیا، مرتضی. سیره پژوهی در غرب: گزیده متون و منابع. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳.
- کهرتری، محسن. «رویکرد». <http://pishgam-pedia.rozblog.com/post/16>.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۸.
- محمدی ری شهری، محمد. شناخت نامه حدیث. قم: دارالحدیث، ۱۳۹۷.

مردانی گلستانی، مهدی. «محدودیت تاریخی افعال پیامبر (ص) و راهکار برون‌رفت از آن». حدیث و اندیشه، ش. ۳۲ (۱۴۰۰): ۲۲۹-۵۰.

مردانی گلستانی، مهدی. توسعه استنباط از فعل معصوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۸.
مطهری، حمیدرضا و زهرا یوسفیان. «درآمدی بر سیره امام هادی (ع) در زمینه روابط خویشاوندی». تاریخ اسلام، ش. ۷۱ (۱۳۹۶): ۱۰۳-۲۴.

مطهری، مرتضی. سیری در سیره نبوی. تهران: صدرا، ۱۳۹۳.

ملکیان، مصطفی. «روش‌شناسی در علوم سیاسی». علوم سیاسی، ش. ۱۴ (۱۳۸۰): ۲۷۳-۹۲.

میرباقری، سید محمد مهدی. درآمدی بر رویکردهای فقه حکومتی. قم: تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۸.

نجاشی، احمد بن علی. رجال النجاشی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.

یعقوب زاده، هادی و دیگران. «تبیین رویکردهای سیره نگاران امامیه به سیره پیامبر (ص) در قرون دوم تا چهارم هجری». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش. ۲۹ (۱۳۹۶): ۹۳-۱۱۸.

Noah Webster. "approach." Website. Webster's Dictionary, 1843. www.merriam-webster.com/dictionary/approach.

Oxford University. "approach." Website. oxfordlearnersdictionaries, 1884.

www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/approach_1?q=approach.

Pearson Education. "approach." Website. Longman Dictionary, 2014. <https://www.ldoceonline.com/dictionary/approach>.

Transliterated Bibliography

‘Allāma Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Muntahī al-Maṭlab fī Taḥqīq al-Madhhab*. Mashhad: Āstāna al-Raḍawīya al-Muqaddasa, Majma‘ al-Buḥūth al-Islāmiyya, 1999/1378.

Baḥranī, Yūsuf ibn Aḥmad. *al-Ḥadāiq al-Nādira fī Aḥkām al-‘Itra al-Ṭāhira*. Qum: Mū’assisa Al-Nashr-i al-Islāmī, 1984/1363.

Dādāshnizhād, Manṣūr va Marḍiyah Sādāt Ḥāshimī. "Ravish Fiqhī Muḥaqqiq Ḥillī dar Istīnād bi Sīrah-yi Rasūl-i Khudā (PBUH) ". *Muṭālī‘āt-i Islāmī: Takīkh va Farhang*, no. 91(2013/1392): 89-108.

Ghazālī, Abū Ḥāmid Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Mustaṣfā*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya, 1992/1413.

Ḥusaynī Jalālī, Sayyid Muḥammad Riḍā. "al-Tasmīyāt Ṭalī ‘a al-Mu’alifāt fī al-Ḥiḍāra

- al-Islāmiyya". *Turāthanā*, no. 2, 1988/1409.
- Ḥusayniyān Muqadam, Ḥusayn. "Milādnigārī dar siḥ qarn-i Nakhust bā Takīyih bar Naqsh-i Aṣḥāb-i Imāmān". *Tārīkh Farhang va Tamadun Islāmī*, no. 15 (2014/1393): 73-94.
- Ḥusayniyān Muqadam, Ḥusayn. *Taṭawwūr Shināsī Sirahnigārī bā Takīyih bar Aṣḥāb-i Imāmān*. Qum: Pazhūhishgāh-i Ḥūzih va Dānishgāh, 2017/1396.
- Ḥusayniyān, Ḥāmid. "Sirah-yi Pūyā; Chālīsh-hā-yi Farārūy 'Amal bi Sirah va Rāh-i Burūn Raft az Ān". *Tārīkh -i Islām*, no. 58 (2014/1393): 7-37.
- Ibn Abī Jumhūr, Muḥammad ibn Zīn al-Dīn. *'Awālī al-La'ālī al-'Azīziya fī al-Aḥādīth al-Dīmiya*. Qum: Mū'assisa-yi Sayyid al-Shuhadā', 1982/1403.
- Ibn Abī Shayba, Abūbakr. *al-Muṣannaf fī al-Aḥādīth wa al-Āthār*. Riyād: Maktaba al-Rushd, 1988/1409.
- Ibn Anas, Mālik. *Mūwaṭṭa'*. Beirut: al-Maktaba al-'Ilmiyya, s.d.
- Ibn Bābawaih, Muḥammad Ibn 'Alī. *Man lā Yaḥḍara al-Faqīh*. Qum: Mū'assisa al-Nashr-i al-Islāmī, 1984/1363.
- Ibn Ḥabbān, Muḥammad. *al-Ṣaḥīḥ*. Beirut: Mū'assisa al-Risāla, 1993/1414.
- Ibn Ḥazm, 'Alī ibn Aḥmad. *al-Iḥkām fī Uṣūl al-Aḥkām*. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīda, s.d.
- Ja'fariyān, Rasūl. "Rūykard-i Fiqhī bi Sirah-yi Nabavī dar yik ṣad sāl-i Guzashtih". *Maqālāt va Risālāt-i Tārīkhī*, no. 1(2012/1391): 659-676.
- Ja'fariyān, Rasūl. *Sirah-yi Rasūl-i Khudā* (PBUH). Qum: Dalīl-i Mā, 2007/1386.
- Jannāti, Muḥammad Ibrāhīm. *Taṭawwūr-i Ijtihād dar Ḥūzih-yi Istinbāt*. Tehran: Amīr Kabīr, 2007/1386.
- Jaṣṣāṣ, Aḥmad ibn 'Alī. *al-Fuṣūl fī al-Uṣūl*. Kuwait: Wizāra al-Awqāf al-Kuwaitiyya, 1993/1414.
- Kāmyābī, Muḥammad Mahdī. *Ulgūbardārī az Ma'ṣūmān(AS): Maḥūm Shināsī Ta'assī va Imkān Sanjī*. Qum: Bunyād-i Farhangī Imāmat, 2019/1398.
- Karājaki, Muḥammad ibn 'Alī. *Kanz al-Fawā'id*. Qum: Dār al-Dakhā'ir, 1989/1410.

Karīmīniyā, Murtaḍā. *Sirihpazhūhī dar Gharb: Guzīdih-yi Mutūn va Manābī*. Tehran: Majma' Jahānī Taqrīb Mazāhib Islāmī, 2007/1386.

Khān Muḥammadī, Karīm. "Taḥlīlī bar Sīrah-yi Irtibāṭāt Miyyān Fardī Payāambar Islām". *Tārīkh-i Islām*, no. 37 (2009/1388): 37-66.

Khaṭīb Baghdādī, Aḥmad ibn 'Alī. *al-Jamī' li-Akhlāq al-Rāwī wa Ādāb Al-Sāmi'*. Riyāḍ: Maktaba al-Ma'ārif, 1982/1403.

Kihtarī, Muḥsin. "Rūykard"-2015/1394.

Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. *al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1984/1363.

Majlisī, Muḥammad Bāqir. *Bihār al-Anwār*. Beirut: Dār Iḥyā'al-Tūrāth al-'Arabī, 1989/1368.

Malikiyān, Muṣṭafā. "Ravish shināsī dar 'Ulūm-i Siyāsī". *'Ulūm-i Siyāsī*, no. 14 (2001/1380): 273-292.

Mardānī Gulistānī, Mahdī. "Maḥdūdiyat-i Tārīkhī Af'āl-i Payāambar (PBUH) va Rāhkār-i Burūnraft az ān". *Hadīs va Andishih*, no. 32 (2021/1400): 229-250.

Mardānī Gulistānī, Mahdī. *Tūsi'ih Istinbāt az Fi'l Ma'šūm*. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Islāmī, 2019/1398.

Mīrbāqirī, Sayyid Muḥammad Mahdī. *Dar Āmadī bar Rūykard-hā-yi Fiqh-i Hukumatī*. Qum: Tamadun-i Nūvīn-i Islāmī, 2019/1398.

Muḥammadī Rī Shahrī, Muḥammad. *Shinākhtnāmih-yi Hadīs*. Qum: Dār al-Ḥadīs, 2018/1397.

Muṭaharī, Ḥamidrizā va Zahrā Yūsufiyān. "Dar Āmadī bar Sīrah-yi Imām Hādī (AS) dar Zamīnih-yi Ravābiṭ-i Khishāvandī". *Tārīkh-i Islām*, no. 71 (2017/1396): 24-103.

Muṭaharī, Murtaḍā. *Siyri dar Sīrah-yi Nabawī*. Tehran: Ṣadrā, 2014/1393.

Najāshī, Aḥmad ibn 'Alī. *Rijāl Najāshī*. Qum: Mū'assisa al-Nashr-i al-Islāmī, s.d.

Qumī, 'Alī ibn Ibrāhīm. *Tafsīr al-Qumī*. Qum: Dār al-Kitāb, 1983/1404.

Rizāī Kirmānī, Muḥammad 'Alī va Aḥmad Zārī' Zardīnī. "Ravish-i Naqd va Barrisī 'Inwān kutub va Abwāb-i Ḥadīthī az Nigāh-i 'Allāma Muḥammad Taqī Shūshtarī".

Ḥadīth Pazhūhī, no. 4(2010/1389): 40-113.

Sarakhsi, Muḥammad ibn Aḥmad. *al-Uṣūl*. Beirut: Dār al-Ma'rifa, s.d.

Sezgin, Fuat. *Tārīkh-i al-Turāth al-'Arabī*. Qum: Kitābkhānah-yi Āyat Allāh Mar'ashī Najafī, 1991/1412.

Shahidī, Rūḥ Allāh. "Mi'yār-hā-yi Arzyābī Akhbār-i Tārīkhī dar Sīra al-Ḥusayn fī al-Ḥadīth wa al-Tārīkh". *Āynih Pazhūhish*, no. 179 (2019/1398): 15-105.

Sharīf Raḍī, Muḥammad ibn Ḥusayn. *Nahj al-Balāgha*. Qum: Mū'assisa Dār al-Hijra, 1993/1414.

Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan. *Majma' al-Bayān*. Beirut: Dār al-Ma'rafa, 1987/1408.

Ṭabāṭabāī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mizān fī Tafsīr al-Qurān*. Beirut: Mū'assisa al-'Ālamī li-l-Maṭbū'āt, 1973/1352.

Tahānawī, Muḥammad 'Alī. *Mawsū'a Kashshāf Iṣṭilāḥāt al-Funūn wa al-'Ulūm*. Beirut: Maktaba Lubnān Nāshirūn, 1996/1375.

Ṭaḥāwī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Sharḥ-i Ma'ānī al-Āthār*. Madīna Munawwara: 'Ālam al-Kutub, 1993/1414.

Thaqafī, Ibrāhīm ibn Muḥammad. *al-Ghārāt*. Tehran: Anjūman-i Āsar-i Milī, 2016/1395.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qurān*. Beirut: Dār Ihya'al-Tūrāth al-'Arabī, s.d.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Fihrist-i Kutub al-Shī'a wa Uṣūlihum wa Asmā' al-Muṣanafīn wa Aṣhāb al-Uṣūl*. Qum: Maktaba al-Muḥaqiq al-Ṭabāṭabāī, 1999/1420.

Ya'qūbzādih, Hādī va et al. "Tabyīn-i Rūykard-hā-yi Sīrih Nigārān-i Imāmīyih bi Sīrih-yi Payāambar (PBUH) dar Qurūn-i Duvūm tā Chāhārum-i Hijrī". *Tārīkh Farhang va Tamadun-i Islāmī*, no. 29 (2017/1396): 93-118.